

پانچ تشریحی درس آیین دادرسی مدنی آزمون کانون‌های وکلای دادگستری سال ۱۳۹۸ و قمریه E ۲۰۱

۲۱- مالی در واحد اجرای احکام مدنی به مزایده گذاشته می‌شود. پس از انجام مزایده، در کدام صورت، مالک (محکوم‌علیه) می‌تواند با پرداخت کلیه بدهی و هزینه‌های اجرایی، مانع انتقال مال شود؟

- ۱) مال، غیرمنقول باشد و محکوم‌له با قبول بیشترین بها، برنده مزایده اعلام شده باشد.
- ۲) مال، غیرمنقول باشد و محکوم‌له آن را در مقابل طلب خود قبول کرده باشد.
- ۳) مال، غیرمنقول باشد و محکوم‌له آن را در مقابل طلب خود قبول کرده باشد و یا با قبول بیشترین بها، برنده مزایده اعلام شده باشد.
- ۴) مال، منقول و یا غیرمنقول باشد و محکوم‌له آن را در مقابل طلب خود قبول کرده باشد.

پاسخ:

ماده ۱۴۴ قانون اجرای احکام مدنی: در مواردی که ملک خریدار نداشته و محکوم‌له آن را در مقابل طلب خود قبول نماید مالک ظرف دو ماه از تاریخ انجام مزایده می‌تواند کلیه بدهی و خسارات و هزینه‌های اجرایی را پرداخته و مانع انتقال ملک به محکوم‌له شود. دادگاه بعد از انقضای مهلت مزبور دستور انتقال تمام یا قسمتی از ملک را که معادل طلب محکوم‌له باشد خواهد داد.

گزینه ۲ صحیح است.

۲۲- اگر محکوم‌به عین معین و غیرقابل دسترس باشد، کدام مورد صحیح است؟

- ۱) قیمت آن صرفاً با تراضی طرفین تعیین و از محکوم‌علیه وصول می‌شود.
- ۲) قیمت آن صرفاً توسط دادگاه تعیین و از محکوم‌علیه دریافت می‌شود.
- ۳) عدم قابلیت دسترسی به عین معین محکوم‌به تأثیری نداشته و پرونده اجرایی تا دسترسی به مال مفتوح می‌ماند.
- ۴) قیمت آن با تراضی طرفین تعیین و در صورت عدم تراضی، توسط دادگاه تعیین و از محکوم‌علیه وصول می‌شود.

پاسخ:

ماده ۴۶ قانون اجرای احکام مدنی: اگر محکوم‌به عین معین بوده و تلف شده و یا به آن دسترسی نباشد قیمت آن با تراضی طرفین و در صورت عدم تراضی به وسیله دادگاه تعیین و طبق مقررات این قانون از محکوم‌علیه وصول می‌شود و هرگاه محکوم‌به قابل تقویم نباشد محکوم‌له می‌تواند دعوای خسارت اقامه نماید.

گزینه ۴ صحیح است.

۲۳- چنانچه محکوم‌علیه، در مقام اجرای حکم قطعی دیوان عدالت اداری به موانع قانونی استناد کند، کدام مورد صحیح است؟

- ۱) چنانچه شعبه صادرکننده رأی قطعی دیوان عدالت اداری آن را موجه تشخیص دهد، از موارد اعاده دادرسی تلقی شده و پرونده برای رسیدگی به هیئت عمومی دیوان ارجاع می‌شود.
- ۲) این جهت عذر موجه محسوب نمی‌شود و محکوم‌علیه باید موانع قانونی را برداشته و حکم را اجرا کند.
- ۳) چنانچه دادرسی اجرای احکام دیوان آن را موجه تشخیص دهد، از موارد اعاده دادرسی تلقی می‌شود و پرونده جهت رسیدگی به شعبه صادرکننده رأی قطعی ارجاع می‌گردد.
- ۴) چنانچه شعبه صادرکننده رأی قطعی دیوان عدالت اداری آن را موجه تشخیص دهد، از موارد اعاده دادرسی تلقی شده و پرونده برای رسیدگی به شعبه تجدیدنظر دیوان ارجاع می‌شود.

پاسخ:

ماده ۱۱۵ قانون دیوان عدالت اداری: در مواردی که محکوم علیه در مقام اجرای احکام قطعی دیوان، به موانع قانونی استناد نماید و یا به جهتی امکان عملی اجرای حکم نباشد و این جهت به تشخیص دادرسی اجرای احکام دیوان، موجه شناخته شود، از موارد اعاده دادرسی تلقی و پرونده به منظور رسیدگی به این جهت به شعبه صادرکننده رأی قطعی ارجاع می‌گردد. شعبه مزبور در صورت تأیید وجود مانع قانونی و یا عدم امکان اجرای حکم، رأی مقتضی به جبران خسارت و یا تعیین جایگزین محکوم‌به صادر می‌نماید. در غیراین صورت قرار رد صادر و پرونده برای ادامه عملیات اجرائی به واحد اجرای احکام دیوان اعاده می‌شود. رأی و یا قرار صادرشده در این مرحله قطعی است.

گزینه ۳ صحیح است.

۲۴ - رأیی از شورای حل اختلاف صادر می‌شود و نسبت به آن در دادگاه عمومی درخواست تجدیدنظر می‌شود، چنانچه دادگاه عمومی رأی شورا را به علت رد صلاحیت شورا فسخ کند و دعوی از صلاحیت دادگستری خارج نباشد، کدام مورد صحیح است؟

- ۱) پرونده را جهت اعمال قواعد صلاحیت، به شورای حل اختلاف اعاده می‌نماید.
- ۲) رسیدگی ماهوی نموده و رأی دادگاه می‌تواند با توجه به بهای خواسته، قابل تجدیدنظر باشد.
- ۳) پرونده را به مرجع صالح ارسال می‌کند.
- ۴) رسیدگی ماهوی نموده و رأی صادره قطعی است.

پاسخ:

ماده ۲۷ قانون شوراهای حل اختلاف: تمام آرای صادره موضوع ماده (۹) این قانون ظرف مدت بیست‌روز از تاریخ ابلاغ، قابل تجدیدنظرخواهی می‌باشد. مرجع تجدیدنظر از آرای قاضی شورا، حسب مورد دادگاه عمومی حقوقی یا کیفری دو همان حوزه قضائی می‌باشد. چنانچه مرجع تجدیدنظر آرای صادره را نقض نماید، رأساً مبادرت به صدور رأی می‌کند. این رأی، قطعی است و اگر رسیدگی به موضوع در صلاحیت مرجع دیگری باشد، پرونده را به مرجع صالح ارسال می‌کند.

تبصره ۱ - گزارش اصلاحی شورا قابل اعتراض نمی‌باشد و قطعی است.

تبصره ۲ - هرگاه رأی مرجع تجدیدنظر در مقام رد صلاحیت شورا باشد رسیدگی ماهوی انجام و رأی اخیر به‌عنوان رأی شعبه بدوی تلقی و حسب مورد مطابق مقررات آیین دادرسی مدنی و کیفری قابل تجدیدنظر است.

تبصره ۳ - هزینه دادرسی رسیدگی در مراحل تجدیدنظرخواهی حسب مورد براساس هزینه دادرسی طرح دعوی در آن مرجع است.

گزینه ۲ صحیح است.

۲۵ - قرار تأمین خواسته‌ای با موضوع بازداشت یک میلیارد ریال از دادگاه عمومی حقوقی صادر می‌شود، در جهت اجرای مفاد قرار، کدام مورد صحیح است؟

- ۱) مرجع اجراکننده رأی باید به درخواست محکوم‌له، به بانک مرکزی دستور دهد که فهرست کلیه حساب‌های محکوم‌علیه در بانک‌ها و ... را برای توقیف به مرجع مذکور تسلیم کند.
- ۲) فقط چنانچه مستند قرار تأمین خواسته اسناد رسمی و یا اسناد تجاری و اخواست شده باشد، مرجع اجراکننده رأی می‌تواند به بانک مرکزی دستور دهد که فهرست حساب‌های محکوم‌علیه را اعلام نماید.
- ۳) مرجع اجراکننده رأی باید رأساً به بانک مرکزی دستور دهد که فهرست کلیه حساب‌های محکوم‌علیه در بانک‌ها و ... را برای توقیف به مرجع مذکور تسلیم کند.
- ۴) با توجه به اینکه حکمی علیه خوانده صادر نشده است، مرجع اجراکننده رأی نمی‌تواند به بانک مرکزی دستور دهد که فهرست حساب‌های محکوم‌علیه را اعلام نماید.

پاسخ:

ماده ۱۹ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی: مرجع اجراءکننده رأی باید به درخواست محکوم‌له به بانک مرکزی دستور دهد که فهرست کلیه حساب‌های محکوم‌علیه در بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری را برای توقیف به مرجع مذکور تسلیم کند. همچنین دادگاه باید به درخواست محکوم‌له یا خوانده دعوی اعسار به مراجع ذی‌ربط از قبیل ادارات ثبت محل و شهرداری‌ها دستور دهد که بر اساس نشانی کامل ملک یا نام مالک پلاک ثبتی ملکی را که احتمال تعلق آن به محکوم‌علیه وجود دارد برای توقیف به دادگاه اعلام کند. این حکم در مورد تمامی مراجعی که به هر نحو اطلاعاتی در مورد اموال اشخاص دارند نیز مجری است.

تبصره ۱ - مراجع مذکور در این ماده مکلفند به دستور دادگاه فهرست و مشخصات اموال متعلق به محکوم‌علیه و نیز فهرست نقل و انتقالات و هر نوع تغییر دیگر در اموال مذکور از زمان یک‌سال قبل از صدور حکم قطعی به بعد را به دادگاه اعلام کنند.

تبصره ۲ - مفاد این ماده در مورد اجرای قرارهای تأمین خواسته موضوع ماده (۱۰۸) قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹/۱/۲۱ و نیز اجرای مفاد اسناد رسمی مجری است.

گزینه ۱ صحیح است.

۲۶- در خصوص پذیرش درخواست مهر و موم ترکه از سوی طلبکار متوفی، کدام مورد صحیح است؟

- ۱) فقط در صورتی پذیرفته می‌شود که وراثت صریحاً ترکه را قبول کرده باشند.
- ۲) در هیچ صورت پذیرفته نمی‌شود.
- ۳) فقط چنانچه طلب وی مستند به سند رسمی و یا حکم قطعی باشد و یا در صورتی که در مقابل طلب، رهن و یا تأمین دیگری نباشد، به مقدار طلب پذیرفته می‌شود.
- ۴) فقط چنانچه طلب وی مستند به حکم قطعی دادگاه باشد، به مقدار طلب پذیرفته می‌شود، حتی اگر رهن و یا تأمین دیگری داشته باشد.

پاسخ:

ماده ۱۶۷ قانون امور حسبی: اشخاص مذکور زیر می‌توانند درخواست مهر و موم ترکه را بنمایند:

- ۱- هر یک از ورثه متوفی یا نماینده قانونی آنها.
- ۲- موصی‌له در صورتی که وصیت به جزء مشاع شده باشد.
- ۳- طلبکار متوفی که طلب او مستند به سند رسمی یا حکم قطعی باشد به مقدار طلب در صورتی که در مقابل طلب رهن نبوده و ترتیب دیگری هم برای تأمین طلب نشده باشد.
- ۴- کسی که از طرف متوفی به عنوان وصایت معین شده باشد.

گزینه ۳ صحیح است.

۲۷- رأیی از دادگاه انتظامی وکلا صادر می‌شود. در خصوص تجدیدنظرخواهی رئیس کانون وکلا، کدام مورد صحیح است؟

- ۱) رأی مجازات طرف مهلت قانونی، قابل تجدیدنظر در دادگاه تجدیدنظر انتظامی وکلا است.
- ۲) رأی مجازات در هر حال در مهلت قانونی، قابل تجدیدنظر در دادگاه انتظامی قضا است.
- ۳) رأی مجازات درجه چهارم به بالا، ظرف ۲۰ روز قابل تجدیدنظر در دادگاه انتظامی قضا است.
- ۴) رأی مجازات درجه چهارم به بالا، ظرف ۱۰ روز قابل تجدیدنظر در دادگاه انتظامی قضا است.

پاسخ:

ماده ۱۴ لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری: رسیدگی به تخلفات وکلا و کارگشایان دادگستری به عهده دادگاه انتظامی وکلا است. دادگاه مزبور از ۳ نفر وکیل درجه ۱ که به انتخاب هیأت مدیره کانون برای مدت دو سال تعیین می‌گردد تشکیل می‌شود و برای مدت مزبور هیأت مدیره دو نفر عضو علی‌البدل از بین وکلای پایه یک انتخاب می‌نماید که در مورد غیبت یا معذوریت اعضای اصلی در دادگاه انتظامی شرکت نمایند. مجازات‌های درجه ۱ و ۲ و ۳ نسبت به وکیل مورد تعقیب قطعی است ولی شاکه خصوصی که تعقیب به موجب شکایت او به عمل آمده از کلیه آراء صادره و همچنین دادرسی انتظامی وکلا و رییس کانون از حکم برائت و از مجازات‌های درجه ۴ به بالا می‌تواند ظرف مدت ده روز پس از ابلاغ با رعایت مسافت طبق قانون آیین دادرسی مدنی تقاضای تجدیدنظر نماید. مرجع تجدیدنظر دادگاه عالی انتظامی قضا بوده و رأی دادگاه مزبور قطعی است.

گزینه ۴ صحیح است.

۲۸- چنانچه خواننده دو وکیل معرفی کرده باشد، در خصوص استماع دفاعیات وکیل در اولین جلسه دادرسی، کدام مورد صحیح است؟

- ۱) در صورت ارسال لایحه توسط یک وکیل و احراز عذر موجه وکیل غایب، به دفاعیات وکیل توجه می‌شود.
- ۲) فقط با حضور هر دو وکیل و با دادن لایحه توسط هر دو وکیل و یا حضور یکی و دادن لایحه توسط وکیل غایب، به دفاعیات آنها توجه می‌شود.
- ۳) فقط در صورت حضور همزمان هر دو وکیل، به دفاعیات وکیل توجه می‌شود.
- ۴) کافی است یکی از وکلا حاضر شده و یا لایحه دهد تا دادگاه به دفاعیات وکیل توجه نماید.

پاسخ:

ماده ۴۴ ق.آ.د.م.: در صورتی که یکی از اصحاب دعوا در دادرسی دو نفر وکیل معرفی کرده و به هیچ یک از آنها به‌طور منفرد حق اقدام نداده باشد، ارسال لایحه توسط هر دو یا حضور یکی از آنان با وصول لایحه از وکیل دیگر برای رسیدگی دادگاه کافی است و در صورت عدم وصول لایحه از وکیل غایب، دادگاه بدون توجه به اظهارات وکیل حاضر، رسیدگی را ادامه خواهد داد. چنانچه هر دو وکیل یا یکی از آنان عذر موجهی برای عدم حضور اعلام نموده باشد، در صورت ضرورت، جلسه دادرسی تجدید و علت تجدید جلسه و وقت رسیدگی به موکل نیز اطلاع داده می‌شود. در این صورت جلسه بعدی دادگاه به علت عدم حضور وکیل تجدید نخواهد شد.

گزینه ۲ صحیح است.

۲۹ - خواهان به استناد سندی اقامه دعوی می‌کند. خواننده در مهلت مقرر نسبت به آن ادعای جعل می‌نماید. چنانچه دادگاه برای رسیدگی به اصالت سند، نیاز به دلیلی داشته باشد که در پرونده دیگری وجود دارد، کدام مورد صحیح است؟

- ۱) اگر پرونده حاوی دلیل در دادگاه مدنی و یا کیفری موجود باشد، دادگاه فقط می‌تواند دادرسی علی‌البدل را مأمور کند که رونوشت موارد استنادی را گرفته و تحویل دادگاه دهد.
- ۲) اگر پرونده حاوی دلیل در دادگاه مدنی و یا کیفری موجود باشد، دادگاه فقط می‌تواند دادرسی علی‌البدل و یا مدیر دفتر دادگاه را مأمور کند که رونوشت موارد استنادی را گرفته و تحویل دادگاه دهد.
- ۳) اگر پرونده حاوی دلیل در دادگاه کیفری موجود باشد، دادگاه رأساً پرونده را مطالبه می‌کند.
- ۴) اگر پرونده حاوی دلیل در دادگاه کیفری و یا حقوقی موجود باشد، دادگاه می‌تواند به ذی‌نفع تقاضانامه‌ای داده تا رونوشت موارد استنادی به وی داده شود.

پاسخ:

ماده ۲۱۴ ق.آ.د.م.: هرگاه یکی از اصحاب دعوا به استناد پرونده کیفری ادعایی نماید که رجوع به آن پرونده لازم باشد، دادگاه می‌تواند پرونده را مطالبه کند. مرجع ذی‌ربط مکلف است پرونده درخواستی را ارسال نماید.

ماده ۲۱۵ ق.آ.د.م.: چنانچه یکی از اصحاب دعوا استناد به پرونده دعوی مدنی دیگری نماید، دادگاه به درخواست او خطاب به مرجع ذی‌ربط تقاضانامه‌ای می‌دهد که رونوشت موارد استنادی در مدت معینی به او داده شود. در صورت لزوم دادگاه می‌تواند پرونده مورد استناد را خواسته و ملاحظه نماید.

گزینه ۳ صحیح است.

۳۰ - دعوای اعسار از هزینه دادرسی، به میزان یک میلیارد ریال هزینه دادرسی اقامه می‌شود و دادگاه حکم اعسار صادر می‌کند. در خصوص شکایت از این حکم کدام مورد صحیح است؟

- ۱) حکم صادره در هر حال قابل تجدیدنظر است.
- ۲) حکم صادره قطعی است.
- ۳) چنانچه خواننده در هیچ‌یک از جلسات دادرسی حاضر نشده و لایحه نیز تقدیم نکرده باشد و ابلاغ نیز واقعی نباشد، حکم اعسار قابل واخواهی خواهد بود.
- ۴) چنانچه خواننده در هیچ‌یک از جلسات دادرسی حاضر نشده و لایحه نیز تقدیم نکرده باشد، حکم اعسار قابل واخواهی خواهد بود.

پاسخ:

دعوای اعسار، غیرمالی است؛ مطابق ماده ۳۳۱ ق.آ.د.م. دعوای غیرمالی (خواه غیرمالی ذاتی یا غیرمالی اعتباری) می‌تواند مورد تجدیدنظرخواهی قرار گیرد، از سوی دیگر حکم در خصوص اعسار مطابق ماده ۵۰۷ ق.آ.د.م. حضوری است.

ماده ۵۰۷ ق.آ.د.م.: مدیردفتر ظرف دو روز از تاریخ وصول دادخواست اعسار، پرونده را به نظر قاضی دادگاه میرساند تا چنانچه حضور شهود را در جلسه دادرسی لازم بداند به مدعی اعسار اخطار شود که در روز مقرر شهود خود را حاضر نماید.

مدیردفتر نسخه دیگر دادخواست را برای طرف دعوی اصلی ارسال و در ضمن روز جلسه دادرسی را تعیین و ابلاغ می‌نماید. به هر حال حکم صادره در خصوص اعسار حضوری محسوب است.

ماده ۱۴ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی: دعوای اعسار غیرمالی است و در مرحله بدوی و تجدیدنظر خارج از نوبت رسیدگی می‌شود.

گزینه ۱ صحیح است.

۳۱ - دعوایی به استناد سندی اقامه می‌شود و خواننده نسبت به سند مذکور، ادعای جعل می‌کند، تکلیف دادگاه نسبت به سند چیست؟

- ۱) دادگاه مکلف است حکم راجع به ماهیت دعوی را صادر کند، اما تعیین تکلیف نسبت به سند مستلزم قطعی شدن رأی است.
- ۲) دادگاه مکلف است ضمن صدور حکم راجع به ماهیت دعوی، در هر حال نسبت به سند تعیین تکلیف کند.
- ۳) دادگاه مکلف است ضمن صدور حکم راجع به ماهیت دعوی، فقط اگر سند را اصیل تشخیص داد، نسبت به سند تعیین تکلیف کند.
- ۴) دادگاه مکلف است ضمن صدور حکم راجع به ماهیت دعوی، فقط اگر سند را مجعول تشخیص داد، نسبت به سند تعیین تکلیف کند.

پاسخ:

ماده ۲۲۱ ق.آ.د.م.: دادگاه مکلف است ضمن صدور حکم راجع به ماهیت دعوا نسبت به سندی که در مورد آن ادعای جعل شده است، تعیین تکلیف نموده، اگر آن را مجعول تشخیص ندهد، دستور تحویل آن را به صاحب سند صادر نماید و در صورتی که آن را مجعول بداند، تکلیف اینکه باید تمام سند از بین برده شود و یا قسمت مجعول در روی سند ابطال گردد یا کلماتی محو و یا تغییر داده شود تعیین خواهد کرد. اجرای رأی دادگاه در این خصوص منوط است به قطعی شدن حکم دادگاه در ماهیت دعوا و گذشتن مدت درخواست تجدیدنظر یا ابرام حکم در مواردی که قابل تجدیدنظر می‌باشد و در صورتی که وجود اسناد و نوشته‌های راجع به دعوای جعل در دفتر دادگاه لازم نباشد، دادگاه دستور اعاده اسناد و نوشته‌ها را به صاحبان آنها می‌دهد.

گزینه ۲ صحیح است.

۳۲- چکی از حساب مشترک سه نفر به مبلغ یک میلیارد ریال در شهر شیراز عهده بانک صادرات شعبه شیراز صادر می‌شود و با مراجعه دارنده چک به بانک محال‌علیه، بانک مزبور به علت فقدان موجودی، گواهی عدم پرداخت صادر می‌کند. چنانچه یکی از صادرکنندگان چک مقیم شیراز و دیگری مقیم اصفهان و سومی مقیم تهران باشد، خواهان برای اقامه دعوی و مطالبه وجه چک به کدام یک از دادگاه‌های نقاط مزبور باید مراجعه کند؟

۱) فقط می‌تواند به دادگاه‌های شیراز یا تهران مراجعه کند.
 ۲) فقط می‌تواند به دادگاه شیراز مراجعه کند.
 ۳) می‌تواند به هر یک از دادگاه‌های شیراز، اصفهان و یا تهران مراجعه کند.
 ۴) فقط می‌تواند به دادگاه‌های شیراز یا اصفهان مراجعه کند.

پاسخ:

ماده ۱۳ ق.آ.د.م.: در دعوی بازرگانی و دعوی راجع به اموال منقول که از عقود و قراردادهای ناشی شده باشد، خواهان می‌تواند به دادگاهی رجوع کند که عقد یا قرارداد در حوزه آن واقع شده است یا تعهد می‌بایست در آنجا انجام شود.

رأی وحدت رویه شماره ۶۶۸ مورخ ۱۳۸۵/۳/۲۳: نظر به اینکه چک با وصف فقدان طبع تجاری، از جهت اقامه دعوا توجهاً به ماده ۳۱۴ قانون تجارت، مشمول قواعد مربوط به بروت، موضوع بند ۸ ماده ۲ قانون تجارت است و از این منظر به لحاظ صلاحیت از مصادیق قسمت فراز ماده ۱۳ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی به شمار می‌رود. نظر به اینکه در همان حال، محل صدور چک در وجه ثالث، با تکیه بر ترکیب «محال‌علیه» در ماده ۳۱۰ قانون تجارت نوعی حواله محسوب است که قواعد ماده ۷۲۴ قانون مدنی حاکم بر آن می‌باشد، و از این نظر با توجه به مبلغ مقید در آن جزء اموال منقول بوده و همچنین مصادیقی از ماده ۱۳ مسبق‌الذکر می‌تواند باشد، بی‌تردید دارنده چک می‌تواند تخیراً به دادگاه محل وقوع عقد یا قرارداد یعنی محل صدور چک، یا به دادگاه محل انجام تعهد، یعنی محل استقرار بانک محال‌علیه و یا با عنایت به قاعده عمومی صلاحیت نسبی موضوع ماده ۱۱ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی برای اقامه دعوا به دادگاه محل اقامت خوانده مراجعه کند. با وصف مراتب، رجوع دارنده چک به هر یک از دادگاه‌های یاد شده توجهاً به ماده ۲۶ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب برای آن دادگاه در رسیدگی به دعوا ایجاد صلاحیت خواهد کرد...

گزینه ۳ صحیح است.

۳۳- دادگاه در دعوی که به خواسته خلع ید از ملکی اقامه می‌شود، در پایان اولین جلسه دادرسی، قرار تحقیق و معاینه محل صادر می‌کند و این قرار اجرا می‌شود، در خصوص تکلیف دادگاه به تشکیل جلسه دادرسی، پس از اجرای قرارهای یاد شده، کدام مورد صحیح است؟

۱) دادگاه فقط پس از اجرای قرار معاینه محل، مکلف است جلسه دادرسی تشکیل دهد.
 ۲) دادگاه فقط پس از اجرای قرار تحقیق محلی، مکلف است جلسه دادرسی تشکیل دهد.
 ۳) دادگاه مکلف نیست جلسه دادرسی تشکیل دهد.
 ۴) دادگاه پس از اجرای هر دو قرار، مکلف است جلسه دادرسی تشکیل دهد.

پاسخ:

قرار تحقیق و معاینه محل، از قرارهای اعدادی محسوب می‌شوند؛ با صدور این قرارها پرونده آماده صدور رأی می‌شود؛ پس از اجرای این قرار، مطابق نصوص فعلی، دادگاه مکلف نیست، تا جلسه دادرسی را تشکیل دهد.

گزینه ۳ صحیح است.

۳۴- در خصوص درخواست تصحیح رأی داور واحد، پس از پایان مدت داوری و پیش از پایان مهلت اعتراض به رأی داور، کدام مورد صحیح است؟

۱) رسیدگی به درخواست با داور است که باید ظرف ۲۰ روز تصمیم‌گیری و ابلاغ نماید. در این صورت، رسیدگی به اعتراض به رأی داور تا تصمیم‌گیری داور یا پایان مهلت یاد شده متوقف می‌ماند.
 ۲) رسیدگی به درخواست به عهده دادگاه است که باید ظرف ۲۰ روز تصمیم‌گیری و ابلاغ نماید. در این صورت، رسیدگی به اعتراض به رأی داور تا تصمیم‌گیری دادگاه و یا پایان مهلت یاد شده متوقف می‌ماند.
 ۳) رسیدگی به درخواست با دادگاه است اما این امر، مانع رسیدگی به اعتراض به رأی داور نیست و دادگاه همزمان به درخواست تصحیح رأی داور نیز رسیدگی می‌کند.
 ۴) رسیدگی به درخواست با داور است که باید ظرف ۲۰ روز تصمیم‌گیری و ابلاغ نماید. دادگاه، بدون توجه به درخواست تصحیح رأی داور به اعتراض به رأی داور رسیدگی می‌کند.

پاسخ:

ماده ۴۸۷ ق.آ.د.م.: تصحیح رأی داوری در حدود ماده (۳۰۹) این قانون قبل از انقضای مدت داوری راساً با داور یا داوران است و پس از انقضای آن تا پایان مهلت اعتراض به رأی داور، به درخواست طرفین یا یکی از آنان با داور یا داوران صادرکننده رأی خواهد بود. داور یا داوران مکلفند ظرف بیست‌روز از تاریخ تقاضای تصحیح رأی اتخاذ تصمیم نمایند. رأی تصحیحی به طرفین ابلاغ خواهد شد. در این صورت رسیدگی به اعتراض در دادگاه تا اتخاذ تصمیم داور یا انقضای مدت یاد شده متوقف می‌ماند.

گزینه ۱ صحیح است.

۳۵ - خواهان به استناد سندی اقامه دعوی نموده و محکومیت خواننده را به تحویل مال مورد هبه درخواست می‌کند، خواننده که از هبه منصرف شده است ضمن دفاع در ماهیت دعوی، کدام یک از اقدامات زیر را می‌تواند انجام دهد و دادگاه با توجه به دفاعیات خواننده، چه تصمیمی باید اتخاذ نماید؟

- ۱) ایراد عدم جزمیت، حتی اگر مستند دعوی سند رسمی باشد؛ دادگاه در صورت پذیرش ایراد، قرار عدم استماع دعوی صادر می‌کند.
- ۲) ایراد عدم جزمیت، مگر اینکه مستند دعوی سند رسمی باشد؛ دادگاه در صورت پذیرش ایراد، قرار عدم استماع دعوی صادر می‌کند.
- ۳) ایراد فقد اثر قانونی، مگر اینکه مستند دعوی سند رسمی باشد؛ دادگاه در صورت پذیرش ایراد، قرار رد دعوی صادر می‌کند.
- ۴) ایراد فقط اثر قانونی، حتی اگر مستند دعوی سند رسمی باشد؛ دادگاه در صورت پذیرش ایراد، قرار رد دعوی صادر می‌کند.

پاسخ:

به موجب ماده ۷۹۸ قانون مدنی، هبه واقع نمی‌شود، مگر با قبول و قبض متهب و همچنین به موجب بند ۷ ماده ۸۴ چنانچه دعوا بر فرض ثبوت، اثر قانونی نداشته باشد از قبیل وقف و هبه بدون قبض، با توجه به ماده ۸۹ آ.د.م. قرار رد دعوا صادر می‌شود. در این فرض، تفاوتی نمی‌نماید که دلیل ابرازی اقرار باشد، یا سند عادی و یا رسمی.

گزینه ۴ صحیح است.

۳۶ - دعوایی مالی در دادگاه عمومی حقوقی اقامه می‌شود. دادگاه در پی رسیدگی، اقدام به صدور حکم نموده و آن را حضوری اعلام می‌کند، اما محکوم علیه حکم را غیابی دانسته و در مهلت مقرر نسبت به آن واخواهی می‌نماید. دادگاه پس از واخواهی محکوم علیه، بی‌آنکه جلسه دادرسی تشکیل دهد، قرار عدم استماع واخواهی به علت حضوری بودن حکم را صادر می‌کند. در خصوص قابل شکایت بودن این قرار، کدام مورد صحیح است؟

- ۱) در هر حال قابل تجدیدنظر است.
- ۲) حسب مورد، می‌تواند قطعی و یا قابل تجدیدنظر باشد.
- ۳) در هر حال قطعی است.
- ۴) در هر حال قابل واخواهی است.

پاسخ:

واخواهی از طرق عادی، ماهوی، عدولی شکایت از احکام غیابی می‌باشد. در قانون آ.د.م.، واخواهی و اعاده‌ی دادرسی، عدولی محسوب می‌شوند، بنابراین دادرسی جهت رسیدگی به این دو شکایت بدو باید قرار قبولی صادر نماید. مع الوصف چنانچه دادرسی به هر علت موافق رسیدگی به شکایت نباشد، مطابق تبصره ۱ ماده ۳۰۶ قرار رد دادخواست را صادر می‌نماید. در این سؤال طراح محترم از قرار عدم استماع دعوا را بیان کرده است. قرار رد دادخواست، یا قرار عدم استماع دعوا، قرارهای قاطع محسوب می‌شوند. در صورتی که اصل دعوا قابل تجدیدنظر باشد، این قرار مستقلاً می‌تواند مورد تجدیدنظرخواهی قرار گیرند بنابراین گزینه ۲ صحیح می‌باشد.

گزینه ۲ صحیح است.

۳۷ - میان طرفین دعوایی که در دادگاه عمومی حقوقی مطرح شده، در جریان دادرسی برابر مقررات، سازش حاصل می‌شود. در خصوص مرجع درخواست اجرای مفاد سازشنامه، کدام مورد صحیح است؟

- ۱) خواه در دادگاه تنظیم شده باشد یا دفتر اسناد رسمی، دادگاه است.
- ۲) ذی‌نفع در انتخاب دادگاه و یا «اجرای ثبت» مختار است.
- ۳) اگر در دادگاه تنظیم شده باشد، دادگاه و اگر در دفتر اسناد رسمی واقع شده باشد، مطابق آیین‌نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم‌الاجرا است.
- ۴) خواه در دادگاه تنظیم شده باشد یا دفتر اسناد رسمی، «اجرای ثبت» است.

پاسخ:

ماده ۱۸۱ ق.آ.د.م.: هرگاه سازش در دفتر اسناد رسمی واقع شده باشد، دادگاه ختم موضوع را به موجب سازشنامه در پرونده مربوط قید می‌نماید و اجرای آن تابع مقررات راجع به اجرای مفاد اسناد لازم‌الاجرا خواهد بود.

ماده ۱۸۴ ق.آ.د.م.: دادگاه پس از حصول سازش بین طرفین به شرح فوق رسیدگی را ختم و مبادرت به صدور گزارش اصلاحی می‌نماید مفاد سازشنامه که طبق مواد فوق تنظیم می‌شود نسبت به طرفین و وراثت و قائم‌مقام قانونی آنها نافذ و معتبر است و مانند احکام دادگاهها به موقع اجرا گذاشته می‌شود، چه این که مورد سازش مخصوص به دعوی مطروحه بوده یا شامل دعاوی یا امور دیگری باشد.

گزینه ۳ صحیح است.

۳۸ - مالک رسمی زمینی مزروعی که بر آن زراعت می‌نموده برای انجام مأموریت دولتی پنج ساله، زمین مزبور را بی‌آنکه به تصرف کسی دهد، ترک نموده و عازم مأموریت می‌شود. پس از گذشت دو سال، شخصی بدون اجازه و رضایت وی، زمین را تصرف می‌کند. در خصوص اقدام قانونی شخص مزبور برای بازپس‌گیری زمین، کدام مورد صحیح است؟

۱) فقط می‌تواند دعوی تصرف عدوانی اقامه کند.

۲) فقط می‌تواند دعوی خلع ید اقامه کند.

۳) حسب مورد، دعوی خلع ید یا تصرف عدوانی اقامه نموده و یا به استناد سند رسمی مالکیت درخواست اجرای مفاد سند رسمی از «اجرای ثبت» کند.

۴) حسب مورد، دعوی خلع ید یا تصرف عدوانی اقامه کند.

پاسخ:

دعوی تصرف عدوانی را مطابق ماده ۱۵۸، متصرف سابق مال غیرمنقول اقامه می‌نماید و دعوی خلع ید را مالک مال.

در این پرسش، متصرف سابق، مالک مال نیز می‌باشد بنابراین او می‌تواند حسب مورد دعوی تصرف عدوانی یا دعوی خلع ید را اقامه نماید.

ماده ۱۵۸ ق.آ.د.م.: دعوی تصرف عدوانی عبارت است از:

ادعای متصرف سابق مبنی بر این که دیگری بدون رضایت او مال غیرمنقول را از تصرف وی خارج کرده و اعاده تصرف خود را نسبت به آن مال درخواست می‌نماید.

ماده ۱۶۲ ق.آ.د.م.: در دعوی تصرف عدوانی و مزاحمت و ممانعت از حق ابراز سند مالکیت دلیل بر سبق تصرف و استفاده از حق می‌باشد مگر آن که طرف دیگر سبق تصرف و استفاده از حق خود را به طریق دیگر ثابت نماید.

گزینه ۴ صحیح است.

۳۹ - دادگاه عمومی حقوقی قرار کارشناسی صادر و کارشناس را انتخاب می‌کند، در خصوص تمایل طرفین به معرفی کارشناس مرضی‌الطرفین، کدام مورد صحیح است؟

۱) طرفین فقط در دعوی مالی می‌توانند قبل از اقدام کارشناس منتخب، به تراضی، کارشناس انتخاب کنند که باید از کارشناسان رسمی باشد.

۲) طرفین می‌توانند قبل از اقدام کارشناس منتخب، به تراضی، کارشناس انتخاب کنند که می‌تواند از کارشناسان رسمی نباشد.

۳) طرفین نمی‌توانند پس از انتخاب کارشناس منتخب توسط دادگاه، کارشناس مرضی‌الطرفین انتخاب کنند.

۴) طرفین می‌توانند قبل از اقدام کارشناس منتخب، به تراضی کارشناس انتخاب کنند که باید از کارشناسان رسمی باشد.

پاسخ:

ماده ۲۶۸ ق.آ.د.م.: طرفین دعوا در هر مورد که قرار رجوع به کارشناس صادر می‌شود، می‌توانند قبل از اقدام کارشناس یا کارشناسان منتخب، کارشناس یا کارشناسان دیگری را با تراضی، انتخاب و به دادگاه معرفی نمایند. در این صورت کارشناس مرضی‌الطرفین به جای کارشناس منتخب دادگاه برای اجرای قرار کارشناسی اقدام خواهد کرد. کارشناسی که به تراضی انتخاب می‌شود ممکن است غیر از کارشناس رسمی باشد.

گزینه ۲ صحیح است.

۴۰ - پرونده‌ای در دیوان عالی کشور برای رسیدگی به فرجام‌خواهی مطرح می‌شود، طرفین از دیوان عالی کشور درخواست ارجاع امر به داوری را می‌نمایند. در خصوص اقدام دیوان عالی کشور در این باره، کدام مورد صحیح است؟

۱) باید پرونده را برای ارجاع به داوری به دادگاه صادر کننده رأی فرجام‌خواسته ارسال کند، حتی اگر دادگاه صادر کننده رأی، دادگاه نخستین باشد.

۲) باید ابتدا رأی فرجام‌خواسته را نقض و پرونده را برای ارجاع به داوری به دادگاه صادر کننده رأی فرجام‌خواسته ارسال کند، البته اگر دادگاه صادر کننده رأی دادگاه تجدیدنظر باشد.

۳) با توجه به صلاحیت دیوان، درخواست پذیرفته نمی‌شود.

۴) باید پرونده را برای ارجاع به داوری به دادگاه صادر کننده رأی فرجام‌خواسته ارسال کند، البته اگر دادگاه صادر کننده رأی، دادگاه تجدیدنظر باشد.

پاسخ:

ماده ۴۹۴ ق.آ.د.م.: چنانچه دعوا در مرحله فرجامی باشد، و طرفین با توافق تقاضای ارجاع امر به داوری را بنمایند یا مورد از موارد ارجاع به داوری تشخیص داده شود، دیوان عالی کشور پرونده را برای ارجاع به داوری به دادگاه صادر کننده رأی فرجام‌خواسته ارسال می‌دارد.

با توجه به ملاک این ماده گزینه ۱ صحیح است.